

A Comparative Study of the Interpretation of the Mawdat Verse in the Interpretations of "Al-Mizan, Al-Tebyan, Al-Tahrir and Al-Tanwir, Al-Kashaf"

(Received: 31/10/2021 - Accepted: 18/05/2022)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.11.9>

Zahra Darwish¹

Abstract

One of the verses that indicate the obligation to love the Ahl al-Bayt (AS) is verse 23 of the Shura. In the present study, by analytical-comparative method, focusing on four interpretations: Al-Tebyan, Al-Mizan, Al-Tahrir wa Al-Tanwir, and Al-Kashaf, the mentioned verse is examined and the meaning of "Mawadat fi al-Qorba" is expressed. The results show that according to the interpretations of Al-Mizan, Al-Tibyan, and Al-Kashaf, according to the evidences in the verse, including exceptions and successive narrations following the interpretation of the verse, the meaning of "Mawadat fi al-Qorba" means friendliness and friendship with the Ahl al-Bayt of the Prophet (PBUH). And this meaning agrees with the internal and external evidences in the verse. Tafsir al-Tahrir and al-Tanwir have considered proximity to mean closeness in the Quraysh lineage, which, of course, does not agree with internal evidences (words and appearance of the verse) as well as external evidences (correct narrations indicating friendship with the Ahl al-Bayt (AS)).

Keywords: Mawdat verse, Ahl al-Bayt, Al-Mizan, Al-Tibyan, Tahrir wa Al-Tanwir, Kashaf, Comparative interpretation.

دانشگاه علمی مطالعات قرآنی و حدیثی

سال ششم

شماره دوم

پیاپی: ۱۲

پاییز و زمستان

۱۴۰۰

1. Graduated from the Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quranic Sciences and Education, Tehran, Iran. z.darwish7@gmail.com



بررسی تطبیقی تفسیر آیهی مودّت در تفاسیر «المیزان، التبیان، التحریر و التنویر و الکشاف» با تکیه بر قرائن داخلی و خارجی آیه

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.11.9>

زهرا درویش^۱

چکیده:

یکی از آیاتی که دلالت بر وجوب مودّت نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) دارد، آیه ۲۳ شوری است. در پژوهش حاضر با روش تحلیلی - تطبیقی، با محور قرار دادن چهار تفسیر: التبیان، المیزان، التحریر و التنویر و الکشاف و بررسی تطبیقی آن‌ها حول آیهی مربوطه، به بررسی تفسیر آیه و به دست آوردن معنای مورد نظر از عبارت «مودّة فی القربی» پرداخته می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که در تفاسیر المیزان و التبیان و الکشاف، با توجه به قرائن موجود در آیه، از جمله استثناء و روایات متواتر ذیل تفسیر آیه، منظور از «مودّة فی القربی» را مودّت و دوستی نسبت به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) گرفته‌اند و این معنا، موافق با قرائن داخلی و خارجی در آیه است. تفسیر ارائه شده در التحریر و التنویر که معنای قربی را در قرابت و نزدیکی در نسب قریشی بیان می‌دارد، با قرائن داخلی، یعنی توجه به مفردات و ظاهر آیه و قرائن خارجی که شامل روایات صحیح دال بر دوستی با اهل بیت (علیهم السلام) است، موافق نیست. **کلیدواژه‌ها:** آیهی مودّت، اهل بیت، تطبیقی، قرائن آیه، تفسیر.

مقدمه

﴿ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْرِضْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (شوری/۲۳)؛ این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد! بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیت] و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزاییم، چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.»

جمله «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» بخشی از آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی «شوری» است که به آیه‌ی «مودت» معروف است. علامه حلی در کتاب نهج‌الحق، در ذیل این آیه که دلالت بر امامت حضرت علی (علیه السلام) دارد، فرموده است: «جمهور (اهل تسنن) در صحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم) و احمد بن حنبل در مسندش و ثعلبی در تفسیرش از ابن عباس نقل کرده‌اند که فرمود: وقتی آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» نازل شد، گفتند: ای رسول خدا، چه کسانی مودتشان بر ما واجب است؟ حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین -علیهما السلام- و وجوب مودت مستلزم وجوب اطاعت است.» (حلی، ۱۴۰۷: ۱۷۵)

تمام مفسران شیعه و جماعتی از مفسران اهل تسنن، لفظ «القربی» را در این آیه، به خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تفسیر کرده‌اند و این آیه را از فضایل اهل بیت آن حضرت به شمار آورده‌اند. البته برخی از مفسران، وجوه دیگری را نیز در تفسیر آن ذکر کرده‌اند و این وجه معنایی را موافق با قرائن داخلی از جمله استثناء و معانی مفردات آیه و قرائن خارجی همچون روایات ناظر بر مصادیق قربی در آیه، نمی‌دانند. آنان می‌گویند: «القربی» در آیه عام است و به معنی مطلق خویشاوندان است و هرگز نمی‌شود، لفظ مطلق را معنای مقید داد و هرگاه منظور خویشاوندان خود پیامبر بود، لازم بود که مثلاً بگویند: «إلا المودة فی قربای» و یا لا اقل، برای خاص بودن آن، باید قرینه در ماقبل و مابعد آیات باشد. چون یک چنین قرینه‌ای در آیات قبلی و بعدی نیست؛ بنابراین ضروری دانسته شد تا در قسمت استثناء و مفردات آیه، پژوهشی انجام گیرد و با بررسی بیشتر در قرائن داخلی و خارجی آیه و با توجه به روایاتی که در تفسیر آن وارد شده، معنای آیه بررسی شود و وجوهی که در معنای آن ذکر کرده‌اند، مورد مذاقه‌ی علمی قرار گیرد. سؤال اصلی تحقیق، این است که چهار تفسیر مذکور، با توجه به این که دو تفسیر از شیعه (التبیین و المیزان فی تفسیر القرآن) و دو تفسیر از اهل سنت (التحریر و التنویر و الکشاف) است و روش اغلب تفاسیر مذکور در این نوشتار، روش اجتهادی جامع در تفسیر است، چه رویکردی نسبت به تفسیر این آیه دارند و تفاوت دیدگاه آن‌ها

در چیست؟ همچنین در این نوشتار، توجه به قرائن داخلی و خارجی آیه مورد توجه قرار گرفته؛ چراکه رسیدن به تفسیر صحیح، هماهنگی تفسیر آیه با قرائن آن است (شاکر، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۱۰)؛ بنابراین اگر تفسیری با قرائن داخلی و خارجی آیه مغایر باشد، از نظر علمی قابل پذیرش نخواهد بود.

فرضیات نیز چنین است که تفسیر کردن «مودة فی القربی» به مودت و دوستی نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)، با توجه به قرائن داخلی آیه ثابت می‌شود و این تفسیر خللی به سیاق آیه نمی‌زند و در تفاسیر شیعه نیز به این مسئله توجه شده است.

از آن جایی که مودت و دوستی نسبت به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در پی آن اطاعت از آن بزرگواران، جزء اصول اعتقادی شیعیان محسوب می‌شود، رسیدن به تفسیر صحیح از آیه مورد نظر و اثبات آن با دلایل منطقی و متقن، مهر بطلانی بر سایر تفاسیر موجود ذیل آیه شریفه می‌زند.

پیشینه موضوع

در ارتباط با بررسی معنایی و تفسیری آیهی مودت، کارهای بسیاری صورت گرفته است، از جمله تمام تفاسیری که ذیل آیه شریفه ۲۳ شوری در قرآن، مطلب تفسیری دارند. علاوه بر آن، کتاب‌های مستقلی نیز در این باره چاپ شده است از جمله:

۱- تفسیر آیه مودت، سید محمدحسین حسینی طهرانی، انتشارات نور ملکوت قرآن، سال ۱۳۸۷ و مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام، سال ۱۳۸۴.

۲- مهرورزی به اهل بیت (علیهم السلام) از دیدگاه قرآن و سنت، نگاهی به تفسیر آیه مودت، سید علی حسینی میلانی، مرکز حقایق اسلامی، سال ۱۳۹۰.

۳- مودت اهل بیت در آینه وحی، احمد بن محمد خفاجی، مترجم: علی راد، محقق: محمد باقر محمودی، شرکت به نشر، سال ۱۳۸۶.

همچنین مقاله‌ای با عنوان: پژوهشی در آیهی مودت، علی اکبر بابایی، فصل نامه معرفت، شماره ۴۸، سال ۱۳۸۶.

شایان ذکر است، در همه این موارد به بررسی معنایی و تفسیری آیه پرداخته شده است، ولی در پژوهش حاضر، به صورت تطبیقی عبارت (مودة فی القربی) را در ۴ تفسیر المیزان، التبیان، التحریر و التنویر و الکشاف که دو مورد از تفاسیر شیعه و دو مورد از تفاسیر اهل سنت است، بر اساس میزان توجه این تفاسیر به قرائن آیه در تفسیرشان، بررسی کرده که از این نظر اثری جدید به شمار می‌آید.

روش تحقیق

گردآوری داده‌ها در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و سپس با روش

تحلیلی - تطبیقی به پردازش داده‌های موجود پرداخته است.

۱- ادبیات نظری

در این بخش به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی دو واژه مودت و قربی پرداخته می‌شود. همچنین نگاهی اجمالی به رویکرد چهار تفسیر مورد نظر نوشتار حاضر از نظر روش تفسیری انداخته خواهد شد؛ چراکه آگاهی از روش هر مفسر در تفسیرش، در رسیدن به نظری صحیح ضرورت دارد.

۱-۱- معنای لغوی مودت

«المودة» به نظر برخی لغت‌شناسان، مصدر (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸/ ۹۹) و به نظر برخی از آنان «اسم مصدر است» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/ ۷۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳/ ۶۳) و به معنای «محبت و دوست داشتن» آمده (قرشی، ۱۳۷۷: ۷/ ۱۹۲) و «برای بعضی از هم‌خانواده‌های آن مانند «وداده» و فعلی که از آن اشتقاق می‌شود، معنای تمنی و آرزوی چیزی را داشتن، ذکر شده است» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/ ۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۰).

۲-۱- معنای اصطلاحی مودت

لفظ مودت ۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است که در همه‌ی آن‌ها، مودت به معنای دوستی و محبت است. این موارد عبارت‌اند از: نساء/ ۷۳، مائده/ ۸۲، عنکبوت/ ۲۵، روم/ ۲۱، شوری/ ۲۳ و ممتحنه/ ۷. به عنوان مثال خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَأْتِيَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ (نساء/ ۷۳)؛ و اگر غنیمتی از جانب خدا به شما برسد، درست مثل اینکه هرگز میان شما و آنها دوستی و مودتی نبوده، می‌گویند: ای کاش ما هم با آن‌ها بودیم و به رستگاری (و پیروزی) بزرگی می‌رسیدیم.

۳-۱- معنای لغوی قربی

فیومی در مصباح، «قربی» و «قربه» و «قربت» و «قرب» را مصدر «قرب» دانسته است و سپس در بیان فرق این کلمات می‌گوید: «قرب در مورد مکان گفته می‌شود و قربت در مورد منزلت و «قربی» و «قربت» در مورد رحم و خویشاوند به کار می‌رود.» (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۹) زمخشری در کشاف می‌گوید: «قربی؛ مصدری است بر وزن (بشری) و (زلفی) و معنی قربت یعنی خویشاوندی، منظور است.» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۱۹/ ۴)

پس نتیجه گرفته می‌شود که «قربی» مصدر است و به معنای نزدیکی در نسب و رحم هست. «همچنین برای افاده معنای جمع - یعنی خویشاوندان و نزدیکان - نیاز به

تقدیر پیشوندی مانند «اولو» دارد تا به کمک آن، معنای جمع را افاده نماید، ولی ابن منظور به نقل از تهذیب در جمع «قریب»، در مورد زنان، «قرائب» و در مورد مردان، «اقارب» را ذکر می‌کند و می‌گوید: اگر «قربی» گفته شود نیز جایز است» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/ ۸۴).

۱-۴- معنای اصطلاحی قربی

با توجه به موارد کاربرد این واژه در قرآن که ۱۲ بار به کار رفته است، روشن می‌گردد که مقصود از «قربی» همان پیوند خویشاوندی است و تنها در آیه مورد بحث، بدون ضمیمه مضاف به کار رفته است ولی در سایر آیات، با اضافه شدن به کلماتی چون: اولوا، اولی، ذی، ذوی، ذا به کار رفته است. همچون آیهی: ﴿وَإِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ...﴾ (بقره/ ۸۳)؛ و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید ...

این موارد عبارت‌اند از: بقره/ ۸۳ و ۱۷۷، نساء/ ۸ و ۳۶، انفال/ ۱، نحل/ ۹۰، اسراء/ ۲۶، نور/ ۲۲، روم/ ۳۸، شوری/ ۲۳.

۱-۵- نگاهی به رویکرد تفسیری چهار مفسر مورد نظر مقاله‌ی حاضر

پیش از ورود به بحث لازم است، رویکرد و روش هر چهار تفسیر مورد نظر در نگاشته‌ی حاضر، مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه آگاهی از روش هر مفسر در تفسیرش، در رسیدن به نظری صحیح در باب چنین موضوعاتی ضرورت دارد. یکی از راه‌های درک روش تفسیری هر مفسر و همچنین جایگاه تفسیر وی، مراجعه به منابع تفسیری اوست. به نظر نگارنده، هر چهار تفسیر مورد نظر این نوشتار، دارای روشی اجتهادی و جامع در تفسیرند، گرچه در هر تفسیر، یک روش غالب است؛ مثلاً المیزان وجه غالبش قرآن به قرآن، کشاف وجه غالبش ادبی، التبیین؛ روایی و التحریر و التنویر؛ روش تحلیلی و ادبی در پیش گرفته، لکن در هر چهار تفسیر، استفاده‌ی مفسر از منابع مختلف در تفسیر همچون: قرآن، روایات، عقل و بهره‌گیری از علوم ادبیات عرب و تاریخ و ... مشهود است و مفسر با کمک این منابع به استنباط و فهم معارف و احکام با داشتن صلاحیت تفسیری پرداخته است (علوی مهر، ۱۳۹۱: ۱۹۵)؛ بنابراین هر چهار تفسیر دارای روشی اجتهادی و جامع در تفسیرند. در ادامه، به اختصار به ذکر منابع و روش تفسیری مفسران مذکور در مقاله پرداخته می‌شود.

۱-۵-۱- روش تفسیر المیزان

تفسیر المیزان به قلم علامه سید محمدحسین طباطبایی در قرن حاضر، تألیف گردیده

است. ایشان، روش تفسیر قرآن به قرآن را با الهام از شیوه ائمه (علیهم السلام) برگزیده است و معتقد است هر آیه‌ای از قرآن کریم، توسط آیات دیگر توضیح داده می‌شود و نیازی به توضیح‌دهنده، بیرون از قرآن کریم ندارد؛ زیرا وقتی قرآن کریم در مورد خود می‌گوید که «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکلّ شیء» (نحل/۸۹)؛ ما کتاب را که توضیح‌دهنده هر چیزی است بر تو نازل کردیم؛ خود آن نیازمند توضیح از چیز دیگری نیست. البته جزئیات احکام کلی قرآن کریم، توسط روایات بیان می‌شود و بیان یک‌سری از شرائط و اجزاء بر عهده پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) گذاشته شده که از طریق روایات به دست ما رسیده است.

در ارتباط با این روش، ایشان در بحث تفسیری تمام آیاتی را که با آیه موردبحث در ارتباط است آورده، معنای آن را مبین می‌سازند و در بحثی مستقل روایات را مطرح می‌سازند که اگر با این معنا سازگاری نداشته باشند، کنار گذاشته می‌شوند و آن دسته از روایات که هماهنگ با مضمون آیات باشند، پذیرفته می‌شود. در کتاب تفسیر ایشان، بحث‌های مختلفی از حوزه‌های دیگر علمی مثل فلسفه، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، تاریخ و... مطرح است که آن‌ها نیز مستقل از بحث‌های تفسیری و برای روشن شدن مبنای فکری ایشان در هماهنگی عقل و شرع و عرفان مطرح می‌شود و به هیچ‌وجه با بحث‌های تفسیری مخلوط نمی‌گردد.

در کل می‌توان روش تفسیر المیزان را از نوع روش اجتهادی جامع در نظر گرفت؛ زیرا علامه طباطبایی در تفسیر آیات، هم به نکات ادبی و هم به نکات تاریخی و عقلی و روایی استناد کرده است (علوی‌مهر، ۱۳۹۱: ۲۱۱).

۱-۵-۲- روش تفسیر التبیان

«التبیان» تفسیری از محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی، فقیه و محدث و متکلم نامور امامی قرن پنجم است. کتاب التبیان، اولین تفسیر کامل شیعی از قرآن کریم است که مفسر آن، علاوه بر نقل روایات مأثور، با تکیه بر عقل و توجه به علوم مختلف به ارزیابی آرای تفسیری گذشتگان و معاصران خود پرداخته است. از این رو، این تفسیر جامع انواع علوم و فنون متعلق به تفسیر قرآن، همچون صرف و نحو و اشتقاق و معانی و بیان و حدیث و فقه و کلام و تاریخ است. همچنین از آن‌جاکه در زمان شیخ طوسی، تعارض افکار اشاعره و معتزله به اوج خود رسیده بود، ایشان این افکار را مطرح کرده و به اثبات عقاید امامیه پرداخته است و یک وجهه‌ی کلامی نیز به آن تفسیر داده است. در کل روش شیخ طوسی در التبیان را می‌توان از نوع اجتهادی جامع در نظر گرفت (همان، ۲۱۰).

۱-۵-۳- روش تفسیر کشاف

نام کامل این تفسیر «الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل» است که به کشاف زمخشری شهرت دارد. موضوع تفسیر، ادبی است و از این جهت، مورد توجه دانشمندان و سایر مفسرین قرار گرفته است. البته زمخشری در تفسیرش، گاهی علاوه بر بیان نکات ادبی و بلاغی آیات، از روایات و بیان شأن نزول آیات نیز جهت فهم صحیح تفسیرش استفاده کرده است (برگرفته از نرم‌افزار جامع‌التفاسیر نور- بخش کتاب‌شناسی).

۱-۵-۴- روش تفسیر التحریر و التنویر

این تفسیر توسط محمد بن طاهر بن عاشور، از مفسران اندلسی در قرن چهاردهم، تألیف گردیده است. روش کلی مفسران مغرب زمین در تفسیر، توجه به چهار نکته است: ۱. به تفسیر نقلی توجه دارند. ۲. دانش قرائت در تفاسیر ایشان مورد توجه است. ۳. به لغت اهمیت می‌دهند. ۴. به مباحث فقهی و تبیین احکام توجه دارند. ۵. سعی در پرهیز از اسرائیلیات دارند.

اصول کلی روش تفسیر ابن عاشور نیز توجه به لغت، قرآن، روایت و عقل است؛ بنابراین می‌توان روش تفسیری وی را نیز از نوع اجتهادی جامع در نظر گرفت (برگرفته از نرم‌افزار جامع‌التفاسیر نور- بخش کتاب‌شناسی).

۱-۶- توجه به قرائن در تفسیر

تعدد در تفاسیر قرآن امری انکارناپذیر است. گرچه این تفاسیر در بسیاری از مواضع، باهم مشترک‌اند، اما اختلافات زیادی نیز بین تفاسیر دیده می‌شود. در چنین وضعیتی، تفسیری ارجح است که بر اساس ضابطه و روش تفسیری صحیح، تفسیرش ارائه شده باشد تا ما را به حقیقت برساند. قرآن‌پژوهان و مفسرین، معیارهایی را برای سنجش تفاسیر مطرح کرده‌اند، همچون وجود ارتباط منطقی و زبان‌شناختی با الفاظ قرآن در تفسیر، اعتبار منابع به کارگرفته شده در تفسیر و ... یکی از این ضوابط، توجه به قرائن موجود در آیه در رسیدن به تفسیر صحیح است. این قرائن از توجه به معنای مفردات آیه و قواعد ادبی آن و روایات موجود ذیل تفسیر آیه و ... را شامل می‌شود. بر این اساس، تفسیری معتبر است که روش‌مند بوده و توانسته باشد، مبانی و منابع مورد استناد خود در تفسیر را با دلایل علمی و قطع‌آور ثابت کرده باشد (شاکر، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۱۰).

در این نگاشته، به این مهم توجه گردیده و در بررسی تطبیقی تفاسیر مذکور در مقاله، تفسیری که مطابق با ضوابط علمی بوده و با قرائن داخلی و خارجی آیه موافق است، به‌عنوان تفسیر صحیح اخذ شده است.

۲- بررسی اقوال مختلف در چهار تفسیر موردنظر مقاله درباره‌ی مراد از (مَوَدَّةٌ فِي الْقُرْبَى)

چهار مفسر مذکور که دو تن از شیعه و دو تن از اهل سنت هستند، ذیل آیه ۲۳ شوری نظراتی داده‌اند که به‌طور خلاصه به آن اشاره شده است.

۲-۱- نظر المیزان درباره‌ی مودة فی القربی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه شریفه می‌فرماید: من از شما اجری درخواست نمی‌کنم، چیزی که هست، از آن‌جاکه خدای تعالی مودت به عموم مؤمنین را که نزدیکان من هم از ایشان‌اند بر شما واجب فرموده، من مودت شما را نسبت به اهل بیتم اجر رسالت می‌شمارم. ایشان این تفسیر را مغایر با سایر آیاتی که اجر رسالت را نفی می‌کنند، مانند آیات: (وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (شعرا/ ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰) که پنج مرتبه در سوره‌ی شعراء تکرار شده است و آیه (قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ) (سبا/ ۴۷) و آیه (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا) (فرقان/ ۵۷) نمی‌دانند؛ زیرا منظور از واجب کردن مودت اهل بیت و آن را به عنوان اجر رسالت قرار دادن، تنها این بوده که این محبت را وسیله‌ای قرار دهد برای این که مردم را به ایشان ارجاع دهد و اهل بیت، مرجع علمی مردم قرار گیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۴۶). علامه، استثناء را متصل می‌داند و مدعی است که مودت به اهل بیت، از مصادیق اجر محسوب می‌شود (همان، ۴۳).

۲-۲- نظر التبیان درباره مودة فی القربی

در تفسیر التبیان، اقوال مختلفی که در معنای مودت فی القربی وارد شده است، بیان می‌گردد. مثلاً از قول ابن عباس و قتاده و مجاهد و سدی و ضحاک و ابن زید و عطاء بن دینار مطرح شده که معنای مودت یعنی؛ «از شما به خاطر ابلاغ قرآن پاداشی نمی‌خواهم جز این که مرا دوست بدارید، یعنی با من تعامل کنید تعاملی محبت‌آمیز، نه تعاملی دشمن‌گونه، به خاطر نزدیکی و قرابتی که بین ما در نسب قریشی وجود دارد.» (طوسی، بی‌تا: ۱۵۹/۹). سپس شیخ طوسی، با توجه به قرائن داخلی و خارجی آیه همچون استثناء موجود در آیه و روایات، معنای مودت را به دوستی با اهل بیت پیامبر (ﷺ) که شامل (حضرت علی و حضرت فاطمه و فرزندان ایشان) تفسیر می‌کند. همچنین شیخ طوسی، هر دو وجه استثناء در آیه را مطرح کرده و می‌گوید: برخی آن را استثنا متصل می‌دانند و مودت فی القربی را مستثنی‌منه، به شمار می‌آورند و برخی استثناء را منقطع می‌دانند و می‌گویند: مودت به خویشان رسول اکرم (ﷺ) (علی، فاطمه

و فرزندان فاطمه (س) از جنس اجر نیست؛ بلکه در تقدیر آن آمده است: «لكن أذكرکم المودة فی قرابتي» یعنی؛ به شما دوستی به خویشانم را یادآوری می‌کنم. سپس صاحب تفسیر التبیان، بیان می‌کند که این وجه صحیح است؛ زیرا از حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) و سعید بن جبیر و عمرو بن شعیب در روایت آمده که گفته‌اند: «معنای آن، دوستی با خویشاوندانم است و این روایت از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است.» (طوسی، بی‌تا: ۹/ ۱۵۹) بنابراین شیخ طوسی استثناء آیه را منقطع می‌داند.

۲-۳- نظر التحریر و التنویر درباره مودة فی القربی

ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر، (مودت) را به معنای نوعی معامله حسنه برمی‌شمارد که معنای محبت و دوست داشتن می‌دهد. (فی) را به‌عنوان ظرف مجازی در این آیه می‌داند، زیرا مجرورش که القربی است، صلاحیت مطروف شدن را ندارد و از باب مجاز گرفته شده است و معنای تعلیلی می‌دهد. (القربی) را به‌عنوان اسم مصدر و به معنای نزدیکی نسبی و خویشاوندی می‌گیرد؛ بنابراین معنای آیه چنین می‌شود که «از شما به خاطر ابلاغ قرآن، پاداشی نمی‌خواهم جز این که مرا دوست بدارید، یعنی با من تعامل کنید تعاملی محبت‌آمیز، نه تعاملی دشمن‌گونه، به خاطر نزدیکی و قرابتی که بین ما در نسب قریشی وجود دارد.» (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۵/ ۱۴۷)

همچنین در روح‌المعانی نیز قول مشابه قول ابن عاشور آمده است که «خطاب در این آیه به قریش است و اجرای که در آن درخواست شده، مودت قریش نسبت به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نزدیکان ایشان از قریش است. این بدان جهت بوده که قریش آن جناب را تکذیب می‌کردند و دشمن خود می‌دانستند، چون آن حضرت بر اساس آنچه که در برخی از روایات ذکر شده، متعرض خدایان قریش می‌شد؛ بنابراین خدای تعالی دستور داده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن‌ها بخواهد، اگر ایمان نمی‌آورند حداقل با او دشمنی نکنند، برای این که آن جناب با آن‌ها قرابت و خویشاوندی داشته و نیز آن حضرت را مورد بغض و کینه خود قرار ندهند و اذیت نکنند» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵/ ۳۰)، براساس این تفسیر، کلمه «قربی» به معنای خویشاوند نیست، بلکه به معنای قرابت و خویشاوندی است و حرف «فی» به معنای سببیت است.

همچنین ابن عاشور، برای صحت ادعای خود، روایتی بدین شرح می‌آورد: در صحیح بخاری و جامع ترمذی از سعید بن جبیر این‌گونه آمده است: «از ابن عباس درباره‌ی آیهی مودت سؤال شد که منظور از مودت قربی و نزدیکان، چه کسانی هستند؟ من گفتم: منظور این است که نزدیکان محمد (صلی الله علیه و آله) را دوست داشته باشید. ابن عباس گفت: در پاسخ شتاب کردی! به‌راستی تیره‌ای از قریش نبود، مگر این که برای رسول

خدا (ﷻ) در آن‌ها پیوند خویشاوندی بود که آن حضرت فرمودند: مگر این که در خویشاوندی میان من و خودتان به من مهرورزی نمایید.»

ابن عاشور، بیان می‌کند که برای پیامبر (ﷺ) قبیح است که برای تبلیغ دین و قرآن از مردم اجری بخواهد؛ زیرا مقام نبوت بالاتر از حکمت است و حکما برای تعلیم حکمت مزدی دریافت نمی‌کنند، زیرا حکمت خیر کثیر است و با مسائل دنیایی پذیرفته نمی‌شود. به همین خاطر خداوند، رسولانش را از گرفتن اجری بابت رسالتشان منزه کرده است. چنانچه در سوره‌ی شعراء از قول حضرت نوح و هود و صالح و لوط و شعیب، چنین فرموده است: ﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (شعراء/۱۰۹)؛ من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است» (ابن عاشور، بی تا: ۱۴۷/۲۵).

۲-۴- نظر کشف درباره مودة فی القربی

زمخشری در کشف، در بیان معنای «مودة فی القربی» این چنین می‌گوید که: «از پیامبر (ﷺ) روایت شده که هنگامی که این آیه نازل شد، اصحاب گفتند: یا رسول الله! مودت و دوستی چه کسانی بر ما واجب شده است؟ پیامبر (ﷺ) فرمود: علی، فاطمه و دو پسرش. همچنین وی چندین روایت دیگر در اثبات صحت تفسیر به این معنایی که از روایت گفته شد، استناد می‌کند.» از جمله حدیثی دیگر از نبی اکرم (ﷺ) می‌آورد که ایشان فرمودند: «بهشت بر کسی که به اهل بیتم ظلم و ستمی کند و مرا به خاطر عترتم بیازارد، حرام می‌شود.»

ایشان استثناء را در آیه، هم به صورت متصل جایز دانسته‌اند و هم به صورت منقطع که در صورت متصل معنا می‌شود: «از شما اجری نمی‌خواهم جز دوستی با خویشاوندانم.» و اگر منقطع باشد معنا می‌شود: «از شما اجری نمی‌خواهم، ولی از شما دوستی با نزدیکانم را می‌خواهم و این که آن‌ها را آزار ندهید.» همچنین در دلیل این که چرا فرمود: ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ و نفرمود: «الامودة للقربی» و یا «الامودة القربی» در پاسخ می‌گوید: «برای اینکه عرب برای مودت ظرفی قائل‌اند، مثلاً می‌گویند: «لی فی آل فلان مودة» من در آل فلان مودتی دارم.» همچنین می‌گویند: «ولی فیهم هوی و حب شدید»؛ من در آنان عشق و محبتی شدید دارم و منظورشان این است که افراد فلان قبیله مورد و محل محبت من هستند.» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۲۲۰) در نتیجه حرف «فی» در زبان عرب، هنگام بیان محبت نسبت به چیزی به کار می‌رود. به همین سبب، در آیه از این حرف جر، استفاده گردیده است.

۳- نتیجه بررسی چهار تفسیر پیرامون آیه ۲۳ شوری با توجه به قرائن موجود

با مقایسه‌ای که در تفاسیر صورت گرفت، این نتیجه حاصل شد که در تفاسیر شیعی

المیزان و التبیین، با توجه به قرائن موجود در آیه، ازجمله استثنایی که در آیه وجود دارد و روایات متواتر ذیل تفسیر آیه شریفه، منظور از «مودة فی القربی» را مودت و دوستی نسبت به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) که همان عترت طاهره هستند، گرفته‌اند. در تفسیر التبیین، بر اساس روش مفسر که به بیان اقوال مختلف در تفسیر می‌پردازد، گاه نظر اصلی شیخ طوسی، میان آراء تفسیری مطرح‌شده، پنهان می‌گردد. البته در ذیل آیهی ۲۳ شوری، ابتدا شیخ طوسی، نظر علی بن الحسین و سعید بن جبیر را آورده که مودت فی القربی را به معنای دوستی با اهل بیت (علیهم السلام) گرفته‌اند و سپس سایر نظرات را مطرح می‌کند. در نهایت با آوردن عبارت «و الاول هو الاختیار عندنا» (طوسی، بی‌تا: ۱۵۹/۹) نظر نهایی‌اش مشخص می‌گردد که «مودة فی القربی» یعنی دوستی با اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) که خود یک عمل صالح محسوب می‌شود.

در تفاسیر اهل سنت، زمخشری در کشاف با در نظر گرفتن هر دو وجه استثناء در آیه که می‌تواند متصل و یا منقطع باشد و آوردن روایاتی ذیل تفسیر عبارت «مودة فی القربی»؛ این مودت را به محبت آل محمد (علیهم السلام) که شامل (علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام) هستند، تفسیر می‌کند. ولی در تفسیر التحریر و التنویر، وجه معنایی که برای آیه در نظر می‌گیرد، نه با قرائن داخلی و نه با قرائن خارجی آیه، موافق نیست؛ زیرا می‌گوید: پیامبر در آیه به خاطر قرابت و نزدیکی در نسب قریشی، از آن‌ها خواسته تا با وی دوست باشند و به او محبت کنند. در ادامه، دیدگاه ابن عاشور در تفسیرش که مغایر با سه تفسیر دیگر است، مورد بررسی علمی قرار خواهد گرفت.

۴- نقد و بررسی نظر التحریر و التنویر درباره‌ی «مودة فی القربی» براساس قرائن آیه

در میان تفاسیر مذکور، نظر ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر، قابل نقد و بررسی است؛ زیرا دلایلش نه با قرائن داخلی و نه با قرائن خارجی آیه، سازگار نیست.

۴-۱- مراد از اجر در آیه شریفه

ابن عاشور بیان می‌دارد که برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قبیح است که برای تبلیغ دین و قرآن از مردم اجری بخواهد، زیرا مقام نبوت بالاتر از حکمت است و حکما برای تعلیم حکمت مزدی دریافت نمی‌کنند. همچنین وی به سایر آیات قرآنی از لسان انبیاء گذشته، استناد کرده که همگی گفته‌اند: برای رسالتشان اجری دریافت نمی‌کنند.

در پاسخ به این مطلب باید گفت: «معنای اجر، وقتی تمام می‌شود که درخواست‌کننده آن، کاری کرده باشد و سودی به مردم رسانده باشد تا در مقابل آن کار، مزد طلب کند، مزدی که برابر عمل عامل باشد. در مورد بحث، اجر وقتی معنا دارد که رسول

خدا قریش را هدایت کرده باشد و ایشان ایمان آورده باشند، چون با فرض باقی ماندن در کفر و تکذیب دعوت آن جناب، چیزی از آن جناب نگرفته‌اند تا در مقابلش اجری بدهند و به فرض هم که به آن جناب ایمان آورده باشند، تازه به یکی از اصول سه‌گانه دین ایمان آورده‌اند، نه به همه آن تا باز بدهکار مزد باشند. علاوه بر این که در همین فرض؛ دیگر بغض و دشمنی تصور ندارد تا ترك آن مزد رسالت فرض شود و رسول خدا آن را از ایشان بخواهد. درواقع؛ در صورتی که پرسش‌شدگان در این سؤال کافر فرض شوند، معنای اجر تصور ندارد و در صورتی که مؤمن فرض شوند، دشمنی تصور ندارد تا به‌عنوان مزد بخواهند دست از آن بردارند» (طباطبایی، ۴۱۷: ۴۴/۱۸).

همچنین این آیه، با سایر آیاتی که اجر رسالت انبیاء را فقط به خداوند واگذار کرده است، هیچ‌گونه تناقضی ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَخِدَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان ۵۷)؛ بگو: من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ‌گونه پاداشی از شما نمی‌طلبم، مگر کسی که بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند.»

علامه طباطبایی اشاره لطیفی دارند و می‌گویند: «اگر در اخباری که از هر دو طریق به‌صورت متواتر از رسول خدا (ﷺ) رسیده و مردم را در فهم کتاب خدا و معارف اصولی و فروعی دین و بیان حقایق آن، به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) ارجاع داده است، مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و امثال آن، دقت کافی به عمل آوریم، هیچ شکی برایمان باقی نمی‌ماند که منظور از واجب کردن مودت اهل‌بیت و آن را به‌عنوان اجر رسالت قرار دادن، تنها این بوده که این محبت را وسیله‌ای قرار دهد برای این که مردم را به ایشان ارجاع دهد و اهل‌بیت مرجع علمی مردم قرار گیرند. پس مودتی که اجر رسالت فرض شده چیزی ماورای خود رسالت آن حضرت نیست. پس بنابراین تفسیر، مفاد آیه شریفه هیچ مغایرتی با آیات دیگر که اجر رسالت را نفی می‌کنند ندارد.» (همان، ۴۷/۱۸)

با تدبر در آیات به دست می‌آید که اگر پیامبر اکرم (ﷺ) اجری را در این آیه درخواست کردند، این اجر ویژگی‌هایی دارد که در صورت اجرا کردنش، نفع و سودش، تمام و کمال متوجه خود افراد و مسلمانان می‌شود و هیچ منفعتی برای شخص رسول خدا (ﷺ) ندارد. مودت به اهل‌بیت آن حضرت (علیهم‌السلام)، همان راهی است که انسان را به سوی خدا و پروردگارش رهنمون می‌کند. طبق روایتی در این زمینه، از امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) که آمده است: «لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ فَلَا لِلَّهِ دُونُ حُجَّتِهِ سِرٌّ وَخُنُّ أَبْوَابِ اللَّهِ وَخُنُّ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَخُنُّ عَيْنِهِ عَلَيْهِ وَخُنُّ تَرَاجُمِهِ وَخُنُّ أَرْكَانِ تَوْحِيدِهِ وَخُنُّ مَوْضِعِ سِرِّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۳۵) میان خدا و حجت او که امام هر زمان است حجاب و مانعی وجود ندارد، پس خداوند پیش روی حجت خود پوششی نیفکنده است. ماییم درهای

علم خدا، ماییم راه مستقیم و کانون علم او و ماییم بازگوکننده و شرح دهنده وحی خدا و استوانه‌های اصلی کاخ توحید او و ماییم جایگاه راز نهانی او.»
در نتیجه، سخن ابن عاشور در تفسیرش در این باره، به طور کلی رد می‌شود.

۴-۲- بررسی ادبی استثناء در آیه

در تفاسیر مذکور، ابن عاشور در التحریر و التنویر استثناء را منقطع می‌داند، زیرا بیان می‌کند که مودت از مصادیق اجر برای ابلاغ قرآن نیست (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۵/۱۴۷). علامه طباطبائی، استثناء را متصل می‌داند و مدعی است که مودت به اهل بیت از مصادیق اجر محسوب می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۸/۴۳). صاحب التبیین، هر دو وجه استثناء را برای آیه بیان می‌کند. البته به نظر شیخ طوسی، استثناء منقطع ارجح است و در تقدیر آن آمده است: «لکن أذكركم المودة في قرابتي» یعنی؛ به شما دوستی به خویشانم را یادآوری می‌کنم (طوسی، بی‌تا: ۹/۱۵۹). زمخشری، در تفسیرش هر دو وجه استثناء را در آیه جایز می‌شمرد زیرا اگر متصل باشد، دوستی با نزدیکان رسول از مصادیق اجر است و اگر منقطع باشد، در تقدیر می‌آید که از شما اجرای نمی‌خواهم، ولی دوستی با نزدیکانم را می‌خواهم و آن‌ها را آزار ندهید (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۲۲۰). باید گفت: خود «استثناء» بهترین گواه است که مقصود از «ذا القربی» کسانی هستند که با پیامبر، پیوند خویشاوندی دارند؛ زیرا اگر استثناء متصل گرفته شود و گفته شود که «مودت در قری» حقیقتاً مصداق اجر است و بعداً از آن خارج شده است، ناچار باید، مودت چیزی باشد که در نظر عرف مردم، برای پیامبر مزد حساب شود و این مطلب در صورتی امکان‌پذیر است که مقصود خویشاوندان خود او باشد، وگرنه دوستی و محبت هر کس به خویشاوندان خود چه ارتباطی به خود پیامبر دارد؟ هرگاه استثناء، منقطع در نظر گرفته شود؛ در این صورت هر چند مستثنی، داخل در «مستثنی‌منه» نیست، ولی باید از شئون و لوازم آن به شمار آید، به‌طوری‌که انسان تصور کند که «مستثنی‌منه» شامل آن نیز هست. بنابراین باید گفت: مقصود همان دوست داشتن خویشاوندان خود پیامبر است؛ زیرا چیزی که شبیه اجر است و می‌تواند تالی تلو آن به شمار برود و یا حقیقتاً در آن وارد شود، همان «مودت» فرزندان و خویشاوندان رسول گرامی اسلام (ﷺ) است؛ بنابراین با در نظر گرفتن هر دو وجه برای استثناء، تفسیر صحیح از آیه، به مودت و دوست داشتن خویشاوندان پیامبر (ﷺ) می‌رسد. بر طبق روایات نیز این خویشاوندان، علی و فاطمه و فرزندان ایشان محسوب می‌شوند که در ادامه، به روایات وارده ذیل آیه شریفه پرداخته خواهد شد.

۴-۳- بررسی ادبی حرف (فی) در آیه

مؤلف التحریر و التنویر، کلمه (فی) را به معنای تعلیلی و مجاز در نظر گرفته است. البته باید گفت: برای یک معنای مجازی می‌بایست، قرینه‌ای در آیه وجود داشته باشد که چنین قرینه‌ای نیست.

زمخشری که با رویکرد ادبی در تفسیرش به آیات می‌پردازد، در دلیل این که چرا آیه فرمود: «إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» و نفرمود: «إِلَّا الْمُوَدَّةَ لِلْقُرْبَىٰ»، و یا «إِلَّا الْمُوَدَّةَ الْقُرْبَىٰ» در پاسخ می‌گوید: «برای این که عرب برای مودت ظرفی قائلند، مثلاً می‌گویند: لی فی آل فلان مودة/ من در آل فلان مودتی دارم» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۲۲۰) زمخشری، ظرف بودن (فی) در آیه را به معنای تعلیلی و مجازی نمی‌گیرد.

۴-۴- بررسی روایت استناد شده در التحریر و التنویر ذیل موده فی القربی

روایتی که ابن عاشور از قول ابن عباس در صحیح بخاری و جامع ترمذی می‌آورد که مودة فی القربی را به معنای مهرورزی به پیامبر به سبب پیوند خویشاوندی بین ایشان و قریش می‌گیرد؛ با روایت دیگری از ابن عباس که مراد آیه را علی و فاطمه و فرزندان ایشان می‌گیرد، در تعارض است. این روایت، هم با مفردات و ظاهر آیه کریمه مخالف است و هم با روایاتی که در تفسیر «القربی» در تفاسیر فریقین وارد شده، ناسازگار است. همچنین سیوطی در «الدر المنثور» در ذیل آیه مورد بحث، از مجاهد از ابن عباس نقل کرده که در تفسیر آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» گفت: «ان تحفظونی فی اهل بیتی و تودوهم بی: منظور این است که حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید و آنها را به سبب من دوست دارید.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷/ ۶) بنابراین، روایت مورد استناد در تفسیر التحریر و التنویر، حتی بدون در نظر گرفتن صحت سندی، از حیث متن مغشوش است و قابل اعتماد نیست.

۴-۵- روایات موجود در تفسیر موده فی القربی به اهل بیت (علیهم‌السلام)

«عالم اهل تسنن، ابوالقاسم حاکم حسکانی، در کتاب شواهدالتنزیل ۲۲ روایت را در ذیل این آیه کریمه گردآورده است که ۱۶ حدیث آن مناسب با معنای اهل بیت (علیهم‌السلام) است؛ زیرا «القربی» را به خویشاوندان نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) معنا و بر آن‌ها تطبیق داده است و در ۷ حدیث به نام علی و فاطمه و حسن و حسین -علیهماالسلام- تصریح شده و در پاورقی آن نیز ۲۵ روایت در این مورد ذکر گردیده است» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۸۹-۱۹۶). «همچنین ثعلبی در کتاب تفسیرش به ۶ روایت بدین مضمون اشاره می‌کند» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/ ۳۱۱-۳۱۳). «در تفسیر نورالثقلین نیز ۲۲ روایت از کتاب‌های خاصه جمع‌آوری شده است که همه‌ی آن‌ها، با مضامین گوناگون دلالت می‌کند بر این که مقصود از «القربی» اقربای نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/ ۵۷۰-۵۷۱).

۵۷۸). در تفسیر البرهان نیز ۲۸ روایت ذیل آیه شریفه آورده شده است که همگی دلالت بر معنای مودت نسبت به اهل بیت معصومین دارد (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/ ۸۱۵-۸۲۴). نیز در کتب روایی همچون: کافی، بحارالانوار، محاسن برقی، صحیح بخاری و مسلم؛ احادیثی بدین مضمون وارد شده است. اکنون متن چند روایت به عنوان شاهد مثال آورده می‌شود.

الف) «احمد بن حنبل با سند متصل از ابن عباس چنین روایت می‌کند: «زمانی که «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» نازل شد، گفتند: ای رسول خدا، قرابت «خویشان نزدیک» تو که مودت آنان بر ما واجب شده است، چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و پسرانشان.» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/ ۳۱۱)

این روایت نشان می‌دهد که برای مسلمانان آن زمان معلوم بوده، مقصود از «القربی» در این آیه، خویشان نزدیک پیامبر اکرم (ﷺ) هستند و سؤال آنان، از تعیین افراد آن بوده است. از این که حضرت در پاسخ سؤال آنان، در مقام بیان افرادی از خویشاوندان خود که در این آیه منظورند، فقط همان چهار بزرگوار را نام می‌برد، معلوم می‌شود که در این آیه، از خویشاوندان حضرت در آن زمان، فقط آن چهار نفر مراد بوده‌اند و به اصطلاح، روایت به اطلاق مقامی دلالت می‌کند که جز آن چهار نفر، هیچ یک از خویشاوندان حضرت که در آن زمان موجود بوده‌اند، از جمله همسران ایشان، مشمول این آیه کریمه نشدند؛ زیرا اگر غیر از آنان شخص دیگری از افراد موجود در آن زمان مراد بود، پیامبر (ﷺ) نام او را نیز ذکر می‌فرمود.

ب) بخاری در صحیح خویش نقل کرده که سعید بن جبیر «القربی» را به قربای آل محمد (ﷺ) تفسیر و تاویل کرده است (بخاری، ۱۳۸۷: ۶/ ۳۷).

ج) «محمد بن یعقوب: عن الحسين بن محمد الأشعري، عن معلي بن محمد، عن الوشاء، عن المثنی، عن زرارة، عن عبد الله بن عجلان، عن أبي جعفر (عليه السلام)، في قوله تعالى: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، قال: هم الأئمة عليهم السلام؛ محمد بن يعقوب كليني از حسين بن محمد اشعري از معلى بن محمد از وشاء از مثنی از زراره از عبدالله بن عجلان از امام باقر (ﷺ) روایت کرده‌اند که درباره قول خداوند که فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، ایشان فرمودند: آن‌ها ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/ ۸۱۶).

د) «أخبرناه أبو عبد الله النشيزي أخبرنا أبو بكر الجرجاني حدثنا أبو أحمد البصري حدثنا محمد بن عيسى الواسطي وأحمد بن عمار، قالوا: حدثنا يحيى الحماني قال: حدثنا حسين الأشقر عن قيس بن الربيع عن الأعمش، عن سعيد عن ابن عباس قال لما نزلت قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قالوا: يا رسول الله ومن هؤلاء الذين أمرنا الله بمودتهم قال: علي و

فاطمه و ولد هم؛ از حسین الاشقر از قیس بن الربیع از اعمش از سعید از ابن عباس روایت شده که گفت: هنگامی که آیه **﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾** نازل شد گفتند: یا رسول الله چه کسانی مودتشان بر ما واجب شده است؟ فرمودند: علی و فاطمه و فرزندانشان (حسکانی، ۱۴۱: ۲/ ۱۹۱).

از مواردی که گفته شد، مشخص می‌شود، مراد از مودة فی القربی، دوستی با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. بر طبق این تفسیر، روایاتی هم از طرق اهل سنت و هم از طرق شیعه وارد شده که همه‌ی آنها، آیه را به مودت نسبت به عترت رسول اکرم **﴿ﷺ﴾** و دوستی با آن حضرات **﴿ﷺ﴾** تفسیر کرده است. همچنین اخبار متواتری هم که از طرق دو طایفه (سنی و شیعه) بر وجوب مودت اهل بیت و محبت آن حضرات رسیده، این تفسیر را تأیید می‌کند؛ بنابراین ادعای افرادی که این وجه معنایی از آیه را، مخالف با سیاق می‌دانند، رد می‌شود؛ زیرا سیاق داخلی آیه که وجود استثناء و مفردات آیه است و همچنین سیاق خارجی که مجموعه روایات دال بر این معنا هستند و همگی این نتیجه را به دست می‌دهد که سیاق آیه، موافق با معنای محبت نسبت به اهل بیت عصمت **﴿ﷺ﴾** است.

نتیجه

سه تفسیر التبیان، المیزان و کشاف مراد از مودت به قربی را دوستی با اهل بیت عصمت **﴿ﷺ﴾** گرفته‌اند. با بررسی‌های صورت گرفته، این تفسیر از آیه، با قرائن داخلی و خارجی آیه موافق است. در این راستا، تفسیری صحیح و از نظر علمی قابل قبول است که با قرائن آیات هماهنگ باشد.

۱- تفسیر التحریر و التنویر، عبارت (مودة فی القربی) را به معنای مهرورزی به پیامبر، به سبب پیوند خویشاوندی بین ایشان و قریش، می‌گیرد. این تفسیر نه با قرائن داخلی در آیه و نه با قرائن خارجی آیه، موافق نیست.

۲- دلایل رد نظر ابن عاشور در تفسیر عبارت «مودة فی القربی» عبارت‌اند از: توجه در معنای مفردات و ظاهر آیه همچون کلمه‌ی اجر، استثنای موجود در آیه، معنای حرف (فی) و وجود روایات دال بر تفسیر آیه به مودت نسبت به اهل بیت **﴿ﷺ﴾**؛ همگی این موارد نشان‌دهنده‌ی آن است که تفسیر التحریر و التنویر، موافق با قرائن داخلی و خارجی آیه نیست و از نظر علمی، قابل قبول نخواهد بود.

۳- مراد از مودة فی القربی، همان محبت نسبت به اهل بیت **﴿ﷺ﴾** است و این وجه معنایی از آیه، موافق با قرائن داخلی و خارجی آیه است؛ بنابراین ادعای افرادی که این وجه معنایی را مخالف سیاق و قرائن آیه می‌دانند، رد می‌شود.

۴- در بیان روایات، مشخص می‌شود که قربی در آیه، مشخصاً حضرت علی **﴿ﷺ﴾**،

حضرت فاطمه (س) و حضرت حسن بن علی (علیه السلام) و حضرت حسین بن علی (علیه السلام) هستند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) فقط نام این چهار نفر را می‌برند. معلوم می‌شود که در این آیه، از خویشاوندان حضرت در آن زمان، خصوص آن چهار نفر مراد بوده‌اند و به اصطلاح، روایت به اطلاق مقامی دلالت می‌کند که جز آن چهار نفر، هیچ‌یک از خویشاوندان حضرت که در آن زمان موجود بوده‌اند، از جمله همسران ایشان، مشمول این آیه کریمه نشدند؛ زیرا اگر غیر از آنان شخص دیگری از افراد موجود در آن زمان مراد بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نام آن‌ها را نیز ذکر می‌فرمود.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق): «معجم مقاییس اللغة»، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا): «التحریر و التنبیر»، بی جا.
۴. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق علی عبد الباری، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ اول.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق): «معانی الاخبار»، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۶. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ق): «البرهان فی تفسیر القرآن»، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۷ ق): «صحیح بخاری»، تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، چاپ اول.
۸. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ ق): «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۹. حاکم حسکانی، عیبدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ ق): «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷ ق): «تهج الحق و کشف الصدق»، بیروت: دار الکتب اللبنانی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق): «المفردات فی غریب القرآن»، بیروت: دار العلم الدار الشامیه، چاپ اول.
۱۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ اول.
۱۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ ق): «الدر المنثور فی تفسیر المأثور»، قم: کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی.
۱۴. شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۹ ش): «مبانی و روش های تفسیری»، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ﷺ)، چاپ دوم.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. علوی مهر، حسین (۱۳۹۱ ش): «روش ها و گرایش های تفسیری»، تهران: اسوه، چاپ سوم.
۱۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق): «تفسیر نور الثقلین»، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق): «العين»، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق): «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر»، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۲۱. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱ ش): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۲۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ش): «التحقیق فی کلمات القرآن»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

References

The Holy Quran

1. Ibn Faris, Ahmad (1984 AD): "Moajam Maqaeis Al-loqah", Qom: Islamic Media School.
2. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mokaram (1994 AD): "Lesan Al- Arabs", Beirut: Dar Sader, third edition.
3. Ibn Ashour, Muhammad ibn Tahir (no date): "Tahrir wa Al-Tanwir", (no placed).
4. Alusi, Seyyed Mahmoud (1995 AD): "Roh Al-maani fi Tasir Al- Qur'an Al-Azim", research by Ali Abd al-Bari, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi, first edition.
5. Ibn Babavieh, Mohammad Ibn Ali (1983 AD): "Maani Al-Akhbar", research by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Office, first edition.
6. Bahrani, Seyyed Hashem (1996 AD): "Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran", Tehran: Besat Foundation, first edition.
7. Bukhari, Mohammad Ibn Ismail (2008 AD): "Sahih Bukhari", Torbat Jam: Shaykh al-Islam Ahmad Jam, first edition.
8. Thalabi Neyshabouri, Abu Ishaq Ahmad Ibn Ibrahim (2001 AD): "Al-Kashf wa Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran", Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
9. Hakim Haskani, Obaidullah Ibn Abdullah (1991 AD): "Shawahed Al-Tanzil Le-qawaed Al_Tafzil", research by Mohammad Baqer Mahmoudi, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
10. Hali, Hassan Ibn Yusuf (1987 AD): "Nahj al-Haqq wa Kashf al-Sedq", Beirut: Dar al-Kitab al-Lebani.
11. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad (1992 AD): "Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran", Beirut: Dar Al-Alam Al-Dar Al-Shamiya, first edition.
12. Zamakhshari, Mahmoud (1987 AD): "Al-Kashaf an Haqaeq Qawamez Al-Tanzil", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi, first edition.
13. Siouti, Jalal al-Din (1984 AD): "Al-Dor al-Manthur fi Tafsir al-Mathur", Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi.
14. Shakir, Mohammad Kazem (2010 AD): "Fundamentals and methods of interpretation", Qom: International Center for Translation and Publication of Mustafa (PBUH), second edition.
15. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1997 AD): "Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran", Qom: Islamic Publications Office of the Seminary Teachers Association, fifth edition.
16. Tusi, Muhammad ibn Hassan (no date): "Al-Tebyan fi Tafsir Al- Qur'an", Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
17. Alavimehr, Hossein (2012 AD): "Interpretive methods and tendencies", Tehran: Aswa, third edition.
18. Havizi Wedding, Abd Ali Ibn Juma (1995 AD): "Tafsir Noor al-Thaqalin", Qom: Ismailian Publications, fourth edition.
19. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1990 AD): "Al-Ain", Qom: Hijrat Publications, second edition.
20. Fayumi, Ahmad Ibn Muhammad (1994 AD): "Al-Misbah Al-Munir fi Gharib

Al-Sharh Al-Kabir", Qom: Dar Al-Hijra Institute.

21. Ghorashi, Seyyed Ali Akbar (1992 AD): "Quran Dictionary", Tehran: Islamic Library, first edition.

22. Mostafavi, Hassan (1981 AD): "Al-Tahqiq fi Kalamat Al- Qur'an", Tehran: Book Translation and Publishing Company.

دو فصلنامه علمی مطالعات تحقیقی قرآن پژوهی



سال ششم

شماره دوم

پیاپی: ۱۲

پاییز و زمستان

۱۴۰۰